



● غالباً از کاهش سهم بازار اوپک در نتیجه افزایش تولید تولیدکنندگان بیرون از اوپک سخن می‌رود. وزرای نفت اوپک و دیگر مقامات کشورهای عضو مکرراً از تولیدکنندگان بیرون از اوپک خواسته‌اند با محدود نمودن تولید خود برای حفظ بهای نفت خام در سطحی معقول، با اوپک همکاری نمایند و اعضای این سازمان را در تحمل همه بار «مدیریت عرضه» تنها نگذارند. چنین مسائل مهمی اغلب فضای جلساتی را که میان اعضای اوپک و کشورهای غیر اوپک و گروه‌های نفوذ مرتبط با تولیدکنندگان مصرف‌کنندگان تشکیل می‌شود تیره می‌سازد. هدف این گفتار ارائه دیدگاهی دقیقتر و واقع‌بینانه‌تر به مسئله «سهم بازار» و شناسایی آن دسته از کشورهای بیرون از اوپک است، که توانایی همکاری در زمینه «مدیریت بازار» را دارند، از این راه منطقاً باید بتوان

جدول ۱: تقاضای جهانی نفت و مقادیر مبادله شده به همراه سهم اوپک

(میلیون بشکه در روز)

سال	تقاضای نفت	جهان		اوپک		
		نفت معامله شده	نفت معامله شده به درصد	تولید	سهم تولید به درصد	نفت (سهم بازار) به درصد
۱۹۷۵	۵۳/۷	۲۹/۹	۵۵/۶	۲۷/۵	۵۱/۳	۸۶/۱
۱۹۷۶	۵۸/۵	۳۳/۷	۵۷/۷	۳۱/۲	۵۳/۳	۸۶/۴
۱۹۷۷	۶۰/۵	۳۴/۸	۵۷/۶	۳۱/۸	۵۲/۵	۸۴/۸
۱۹۷۸	۶۳/۳	۳۳/۶	۵۳/۰	۳۰/۴	۴۸/۱	۸۳/۸
۱۹۷۹	۶۴/۳	۳۵/۵	۵۵/۲	۳۱/۹	۴۹/۷	۸۲/۷
۱۹۸۰	۶۱/۳	۳۱/۶	۵۱/۵	۲۷/۶	۴۴/۹	۷۸/۸
۱۹۸۱	۵۹/۵	۲۸/۰	۴۷/۰	۲۳/۵	۳۹/۵	۷۴/۲
۱۹۸۲	۵۸/۴	۲۴/۸	۴۲/۵	۱۹/۷	۳۳/۸	۶۷/۵
۱۹۸۳	۵۸/۱	۲۴/۵	۴۲/۲	۱۸/۸	۳۲/۳	۶۳/۳
۱۹۸۴	۵۸/۱	۲۵/۰	۴۳/۰	۱۸/۷	۳۲/۳	۶۲/۱
۱۹۸۵	۵۸/۳	۲۳/۸	۴۰/۹	۱۷/۳	۲۹/۷	۵۸/۳
۱۹۸۶	۶۰/۱	۲۶/۲	۴۳/۶	۱۹/۴	۳۲/۳	۶۱/۱
۱۹۸۷	۶۱/۱	۲۶/۱	۴۲/۷	۱۸/۸	۳۰/۸	۵۸/۵
۱۹۸۸	۶۲/۸	۲۸/۲	۴۴/۸	۲۱/۰	۳۳/۴	۶۱/۳
۱۹۸۹	۶۴/۵	۲۹/۷	۴۶/۱	۲۳/۲	۳۶/۰	۶۵/۶
۱۹۹۰	۶۴/۷	۳۰/۷	۴۷/۵	۲۴/۶	۳۸/۰	۶۶/۹
۱۹۹۱	۶۵/۱	۳۰/۵	۴۶/۸	۲۵/۰	۳۸/۵	۶۸/۵
۱۹۹۲	۶۵/۳	۳۱/۸	۴۸/۶	۲۶/۲	۴۰/۱	۶۸/۲
۱۹۹۳	۶۵/۴	۳۳/۰	۵۰/۵	۲۷/۰	۴۱/۳	۶۲/۴
۱۹۹۴	۶۶/۳	۳۴/۱	۵۱/۵	۲۷/۲	۴۱/۱	۶۵/۴
۱۹۹۵	۶۷/۴	۳۵/۱	۵۲/۱	۲۷/۷	۴۱/۱	۶۴/۵



طرفهای بالقوه مذاکره را که اوپک باید به آنها روی آورد شناسایی کرد.

### ● سهم بازار

نخستین پرسشی که مطرح می‌شود آشکارا این است که، تعریف ما از «سهم بازار» چیست؟ رقم حدوداً ۴۰ درصدی که اغلب بعنوان سهم بازار اوپک ذکر می‌شود، در واقع سهم اوپک از تولید جهانی است.

ستون پنجم جدول ۱ نشان می‌دهد که تولید اوپک (ستون چهارم جدول) نسبت به تقاضای جهانی نفت (ستون اول) از بالاترین میزان ۵۳/۳ درصد در ۱۹۷۶ به سطح حداقل ۲۹/۷ درصد در ۱۹۸۵ فرو افتاده است. از آن پس این نسبت پیوسته بهبود یافته، و در تمام سالهای ۹۵-۱۹۹۳ فراتر از ۴۱ درصد بوده است.

اما داده‌های ستون هفتم از همان جدول نشان می‌دهند که سهم اوپک از کل صادرات جهانی نفت (کل نفت معامله شده در سطح بین‌المللی) در سال ۱۹۷۶ به ۷۶/۴ درصد رسیده و سپس تا ۱۹۸۵ بطور مداوم کاهش یافته و به ۵۸/۳ درصد رسیده است. از آن پس تا ۱۹۹۱ این نسبت بهبود یافت و به ۶۸/۵ درصد رسید. پس از آن در نتیجه افزایش صادرات کشورهای بیرون از اوپک از حوزه‌هایی مانند دریای شمال این نسبت تا سال ۱۹۹۵، کمی به عقب و به حدود ۶۴/۵ درصد بازگشته است.

چرا باید سهم اوپک از نفت معامله شده چنین مهم باشد؟ پاسخ ساده این پرسش آن است که دنیا به نفت معامله شده بسیار وابسته است. این وابستگی در نمودارهای ۱ تا ۳ نشان داده شده است.

در نمودار (۱) ستون دوم از جدول (۱) را به صورت نسبتی از ستون اول همان جدول و به کمک منحنی بالای نمودار نشان داده ایم. این منحنی که بر اساس داده‌های ستون سوم ترسیم گردیده «شاخص وابستگی» نام دارد و تأیید می‌کند که نفتی که در حال حاضر در

جدول ۲: مقایسه عرضه و تقاضای نفت کشورهای در سال ۱۹۹۵ به همراه میزان جمعیت، تولید ناخالص داخلی (GDP) و سرانه تولید ناخالص داخلی آنها در سال ۱۹۹۴

عرضه	تقاضا	تفاوت	جمعیت	GDP	سرانه GDP	
(هزار بشکه در روز)	(هزار بشکه در روز)	(هزار بشکه در روز)	به میلیون نفر	به میلیون دلار	به دلار	
۸۵۹۵	۱۶۹۵۵	-۸۳۵۹	۲۶۰/۷	۶۶۴۹۸۰۰	۲۵۵۱۲	ایالات متحده
۲۸۰۷	۱۸۷	۲۶۲۱	۴/۳	۱۲۳۳۱۸	۲۸۵۴۶	نروژ
۲۶۵۹	۱۶۸۲	۹۷۷	۵۸/۱	۱۰۰۹۵۱۹	۱۷۵۵۱	بریتانیا
۲۳۸۶	۱۶۷۷	۷۰۹	۲۹/۳	۵۴۳۹۶۳	۱۸۵۹۷	کانادا
۵۶۵	۵۴۳	۲۳	۱۷/۸	۳۲۲۳۹۸	۱۸۰۷۲	استرالیا
۱۸۶	۲۲۲	-۳۶	۵/۲	۱۴۶۷۱۳	۲۸۲۱۴	دانمارک
۵۳۰	۱۷۲۷۴	-۱۶۷۴۴	۵۰۴/۰	۱۱۲۱۲۸۳۴	۲۲۲۴۹	دیگر اعضای OECD
۱۷۷۲۹	۳۸۵۳۸	-۲۰۸۰۹	۸۷۹/۳	۲۰۰۱۸۵۴۶	۲۲۷۶۶	سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)
۳۰۶۵	۱۷۹۲	۱۲۷۳	۹۳/۰	۳۷۱۲۲۳	۳۹۹۱	مکزیک
۹۵۳	۴۵۰	۵۰۲	۵۷/۹	۵۱۹۰۰	۸۹۷	مصر
۸۵۳	۴۰	۸۱۳	۲/۱	۱۱۳۱۰	۵۴۳۸	عمان
۷۵۲	۵۵۷	۱۹۵	۳۴/۲	۲۸۱۹۲۴	۸۲۴۸	آرژانتین
۷۱۸	۱۵۳۱	-۸۱۳	۱۶۲/۲	۵۵۶۴۴۳	۳۴۳۱	برزیل
۷۳۴	۱۴۹۴	-۷۶۰	۹۱۸/۶	۲۸۱۲۳۲	۳۰۶	هند
۶۷۷	۳۱۷	۳۶۰	۱۹/۵	۷۰۶۲۷	۳۶۲۴	مالزی
۶۱۷	۲۳۰	۳۸۷	۱۳/۹	۴۴۲۳۲	۳۱۸۷	سوریه
۶۴۵	۳۰	۶۱۵	۱۰/۷	۶۴۵۷	۶۰۵	آنگولا
۵۹۰	۲۷۲	۳۱۷	۳۴/۵	۶۶۷۱۶	۱۹۳۳	کلمبیا
۳۸۶	۱۳۰	۲۵۵	۱۱/۲	۱۶۵۵۶	۱۴۷۶	اکوادور
۳۴۰	۷۷	۲۶۳	۱۲/۷	۸۴۸۸	۶۷۰	یمن
۱۷۷	۱۶	۱۶۰	۲/۵	۱۷۸۲	۷۰۷	کنگو
۱۷۲	۸	۱۶۴	-/۳	۴۷۵۰	۱۶۹۶۴	برونی
۱۴۶	۳۴	۱۱۲	-/۶	۴۸۵۷	۸۸۳۱	بحرین
۱۷۳	۸۴	۸۹	۷۴/۰	۱۲۵۵۹	۱۷۰	ویتنام
۱۳۷	۳۵	۱۰۳	۱/۳	۴۸۴۱	۳۸۴۲	ترینیداد و توباگو
۱۲۵	۱۳۰	-۵	۲۳/۱	۴۹۹۶۸	۲۱۶۴	پرو
۱۰۰	۱۶	۸۳	۴/۰	۵۲۵۰	۱۳۱۲	گینه نوآبوا
۱۰۰	۱۸	۸۲	۱۲/۹	۶۸۳۱	۵۳۱	کامرون
۴۴۹	۷۶۵۴	-۷۲۰۵	۱۲۱۱/۳	۱۹۵۵۱۲۸	۱۶۱۴	دیگر کشورهای در حال توسعه
۱۱۹۱۰	۱۴۹۱۸	-۳۰۰۸	۲۷۰۰/۳	۳۸۱۳۰۷۳	۱۴۱۲	کشورهای در حال توسعه
۶۹۹۵	۴۶۳۵	۲۳۶۰	۲۹۲/۶	۳۸۴۴۸۲	۱۳۱۴	شوروی سابق
۲۹۹۶	۳۱۵۷	-۱۶۱	۱۲۰۸/۸	۴۸۶۶۶۷	۴۰۳	جمهوری خلق چین
۲۰۰	۱۱۰۳	-۹۰۴	۹۹/۱	۲۲۳۴۱۵	۲۲۵۵	دیگر اقتصادهای سابقاً متمرکز
۱۰۰۹۹۱	۸۱۶	۱۲۹۵	۱۶۰۰/۵	۱۰۹۴۵۶۳	۶۸۴	اقتصادهای سابقاً متمرکز
۳۹۸۲۹	۶۲۳۵۱	-۲۲۵۲۲	۵۱۸۰/۱	۲۴۹۲۶۱۸۲	۴۸۱۲	کل کشورهای غیر اوپک
۷۶۷	۱۷۰	۵۹۷	۲۷/۳	۴۲۲۲۰	۱۵۴۵	الجزایر
۳۴۶	۱۱	۳۳۴	۱/۳	۳۹۳۷	۳۰۷۶	گابون
۱۳۴۸	۷۹۳	۵۵۴	۱۹۲/۲	۱۷۴۴۰	۹۰۹	اندونزی
۳۶۰۲	۹۷۱	۲۶۳۱	۵۹/۸	۶۹۸۷۸	۱۱۶۹	جمهوری اسلامی ایران
۵۸۸	۶۹۲	-۱۰۴	۱۹/۹	۵۷۷۹۱	۲۹۰۱	عراق

هزار بشکه نفت در روز است. اغلب از استرالیا نیز به عنوان کشوری یاد می شود که در حال افزایش تولید خود است و لذا اوپک بایستی با آن به مذاکره بنشیند. اما در نمودار ۷ دیده می شود که تا ۱۹۸۹ استرالیا یک واردکننده خالص نفت بوده و امروزه نیز خالص صادراتش کمتر از ۵۰۰۰۰ بشکه در روز است. برای این اساس دستکم در حال حاضر استرالیا نمی تواند در گروه طرفهای بالقوه مذاکره کننده با اوپک قرار گیرد.

روند صادرات از اتحاد شوروی سابق نیز در نمودار ۸ ترسیم شده است. گرچه روند صادرات این کشورها در سالهای ۸۴-۱۹۸۳ به اوج خود رسید، اما از آن پس هم تولید و هم مصرف آنها کاهش یافته و صادرات جاری آنها در حدود بیش از ۲ میلیون بشکه در روز مانده است. وضعیت چین، را که پیش از این اقتصادی با برنامه ریزی متمرکز داشت در نمودار ۹، نشان داده ایم. این نمودار نشان می دهد که، مصرف چین از چند سال گذشته از تولید آن پیشی گرفته است. بنابراین چین یک واردکننده خالص است و دیگر نمی تواند در شمار طرفهای بالقوه مذاکره کننده با اوپک قرار گیرد.

افزایش مصرف داخلی مکزیک نیز به این معنی است که با وجود آنکه این کشور هنوز یک صادرکننده خالص است؛ ولی میزان صادراتش محدود می باشد. همچنانکه در نمودار ۱۰ نشان داده شده است. مکزیک با تولید نفتی حدود ۳/۲ میلیون بشکه در روز، صادراتی تنها در حدود ۱/۲ میلیون بشکه در روز دارد.

برعکس، نمودار ۱۱ نشان می دهد که در عمان که از جمله کشورهای خاورمیانه ای غیر عضو اوپک است مصرف داخلی هنوز در سطح پایینی باقیمانده و در برابر تولید نفت افزایش مداومی داشته و از ۱۹۸۰ به این سو، به فراتر از ۸۰۰ هزار بشکه در روز رسیده است. جالب توجه اینکه هر چند عمان یکی از پیشروان گسترش گفتگوها میان

کویت	۲۰۳۴	۱۳۲	۱۹۰۲	۱/۶	۲۴۳۰۰	۱۵۰۰۰
لیبی	۱۳۹۳	۱۸۲	۱۲۱۱	۴/۹	۲۱۳۷۷	۴۳۴۳
نیجریه	۱۸۸۴	۳۰۳	۱۵۸۱	۱۲۸/۸	۴۱۵۶۸	۳۲۳
قطر	۴۳۶	۱۹	۴۱۸	۰/۵	۷۰۸۸	۱۳۱۲۶
عربستان سعودی	۸۰۶۱	۱۱۵۶	۶۹۰۵	۱۷/۵	۱۲۵۷۱۴	۷۲۰۴
امارات متحده عربی	۲۱۹۴	۱۶۵	۲۰۲۹	۱/۹	۳۶۷۲۰	۱۹۷۴۲
وزونلا	۲۶۴۱	۴۴۰	۲۲۰۱	۲۱/۲	۵۵۹۶۳	۲۶۴۲
۱۲ کشور عضو اوپک	۲۷۶۹۴	۵۰۳۵	۲۲۶۵۸	۴۷۶/۸	۶۶۱۱۹۷	۱۳۸۷
کل خالص واردات	۱۴۵۳۴	۴۹۵۲۱	۳۴۹۸۷	۴۳۶۹/۸	۲۱۵۱۲۲۳۲	۴۹۲۳
کل خالص صادرات	۵۲۹۸۹	۱۷۸۶۶	۳۵۱۲۳	۱۲۸۷/۱	۴۰۷۵۱۴۷	۳۱۶۶
جهان	۶۷۵۲۳	۶۷۳۸۷	۱۳۶	۵۶۵۶/۹	۲۵۵۸۷۳۷۹	۴۵۲۳

زرف تر این گروه از تولیدکنندگان می توان از گروه مشخص تری دعوت نمود. در این حال چنین دعوت هایی از حمایت بسیاری از تولیدکنندگان و صادرکنندگان غیر اوپک نیز برخوردار خواهد شد.

دسته دوم نمودارها (نمودارهای ۴ تا ۱۲) مقایسه عرضه و تقاضای نفت خام را در یک گروه برگزیده از کشورهای تولیدکننده نفت بیرون از اوپک نشان می دهد. در نمودار ۴ مشاهده می شود که انگلستان تا سال ۱۹۸۰ یک واردکننده خالص نفت بوده است، در این سال در نتیجه استحصال از برخی میدانهای نفتی دریای شمال برای نخستین بار تولید این کشور از مصرفش پیشی گرفت. صادرات خالص آن کشور در حال حاضر نزدیک به یک میلیون بشکه در روز است. شکل ۵ بطور مقایسه ای نشان می دهد که دیگر تولیدکننده بزرگ دریای شمال یعنی نروژ از همان سال ۱۹۷۵ صادرکننده خالص نفت بوده و از آن پس پیوسته صادراتش تا سطح فعلی که بیش از ۲/۵ میلیون بشکه در روز می باشد افزایش یافته است.

از هندوستان بیشتر بعنوان کشوری که تولید نفتی رو به افزایش دارد نام برده می شود، ولی نمودار ۶ نشان از آن دارد که مصرف این کشور سریعتر از تولید آن افزایش می یابد. کشور هند واردکننده خالص نزدیک به ۷۶۰

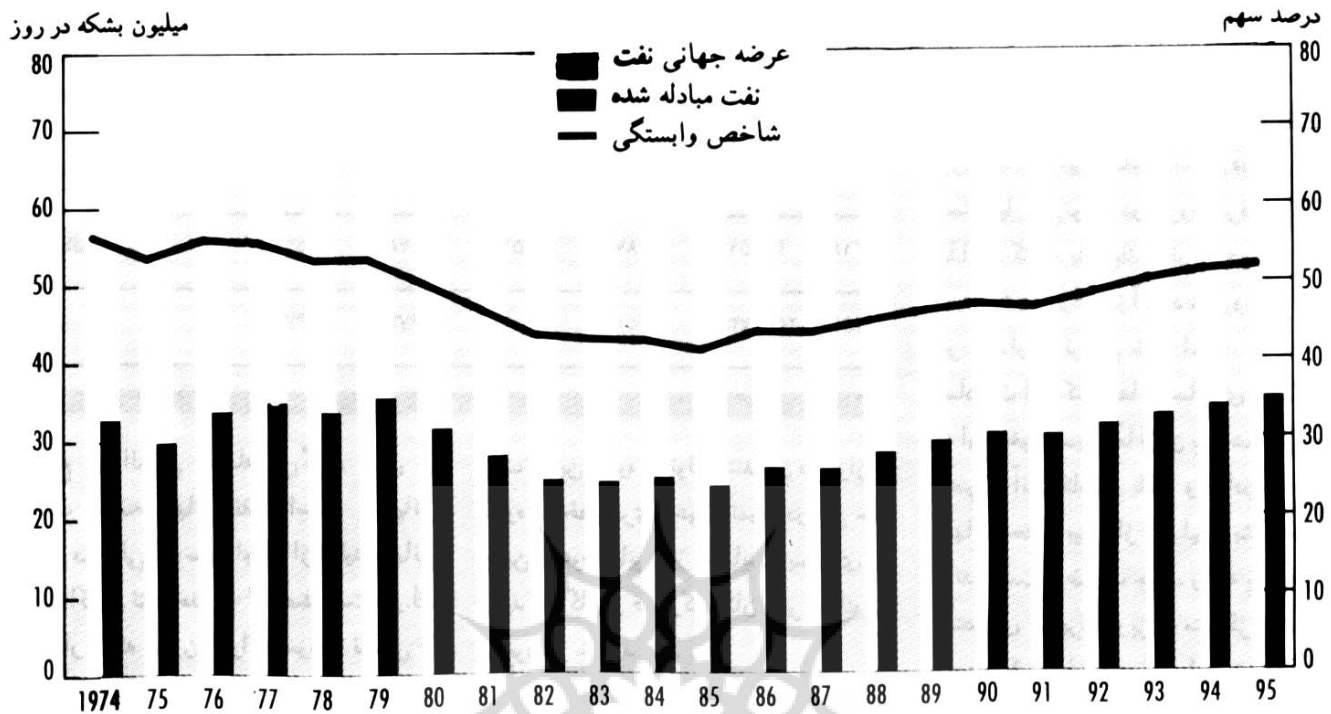
سطح بین المللی معامله می گردد بیش از نصف عرضه جهانی نفت است. به بیانی دیگر در حالی که سهم اوپک از تولید جهانی نفت اکنون تنها حدود ۴۰ درصد است. [ر.ک. نمودار ۲ که ستون ۴ را به صورت نسبی از ستون ۱ نشان می دهد] ولی سهم این سازمان از نفت مبادله شده بطور قابل توجهی بیشتر یعنی نزدیک به ۶۵ درصد است. [ر.ک. نمودار ۳ که ستون ۶ را به صورت نسبی از ستون ۲ نمایش می دهد] و این در حالی است که جهان برای بیش از ۵۰ درصد نیازهایش وابسته به نفت مبادله شده است.

### ● دعوت مشخص تر

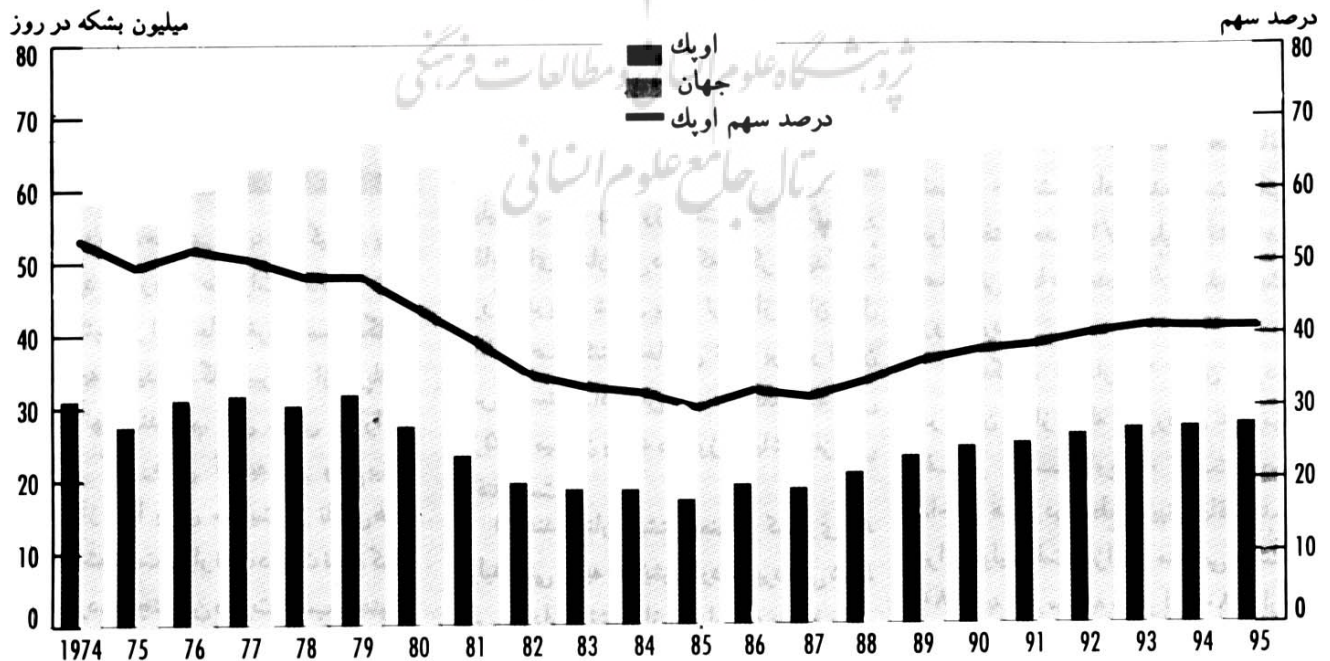
اگر رویکرد مشابهی را به کار گیریم، یعنی نگاه خود را روی صادرات خالص نفت متمرکز کنیم در این حال خوب است نگاهی نزدیکتر به تولیدکنندگان بیرون از اوپک و اقتصاد آنها بیندازیم. این روش ما را در شناسائی کشورهای که به طور واقع بینانه می توان از آنها برای حمایت از تلاش های اوپک جهت تثبیت بازار نفت دعوت نمود کمک خواهد کرد. هر چند این دعوت اغلب به عنوان رعایت اصول یا در نتیجه رویارویی به عمل می آید ولی در صورت وجود شناخت بهتر و



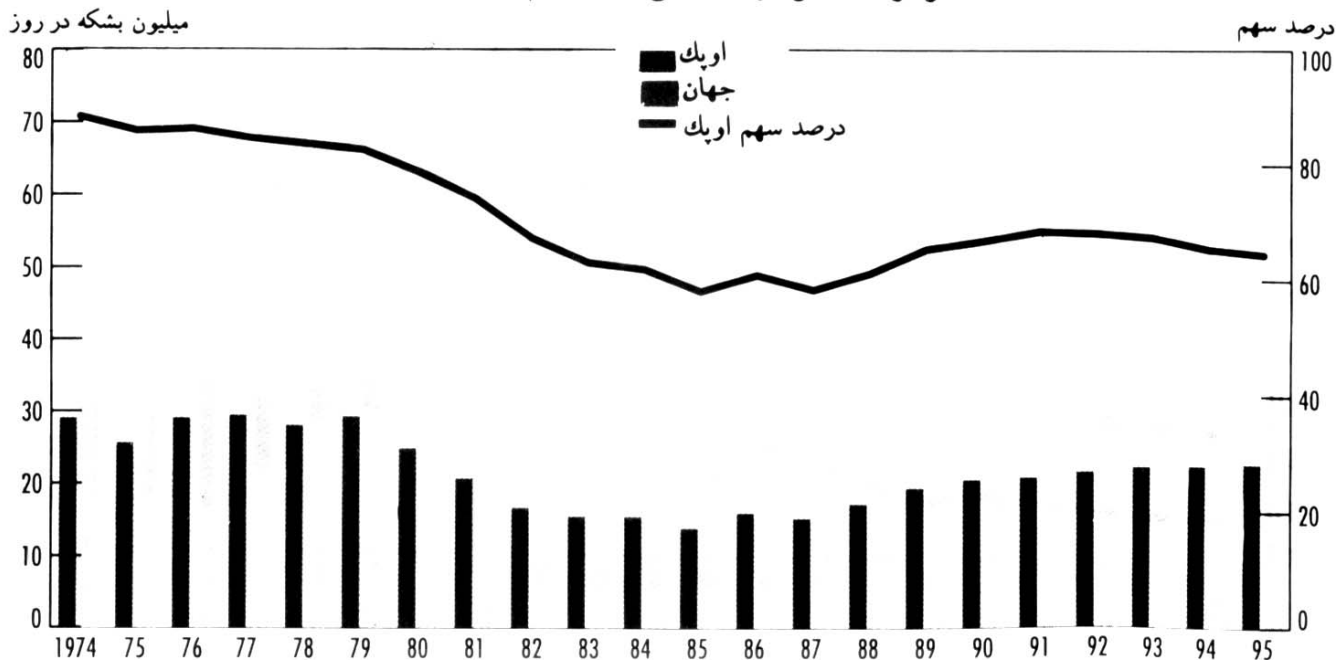
نمودار ۱: وابستگی جهان به نفت مبادله شده



نمودار ۲: عرضه جهانی نفت و سهم اوپک

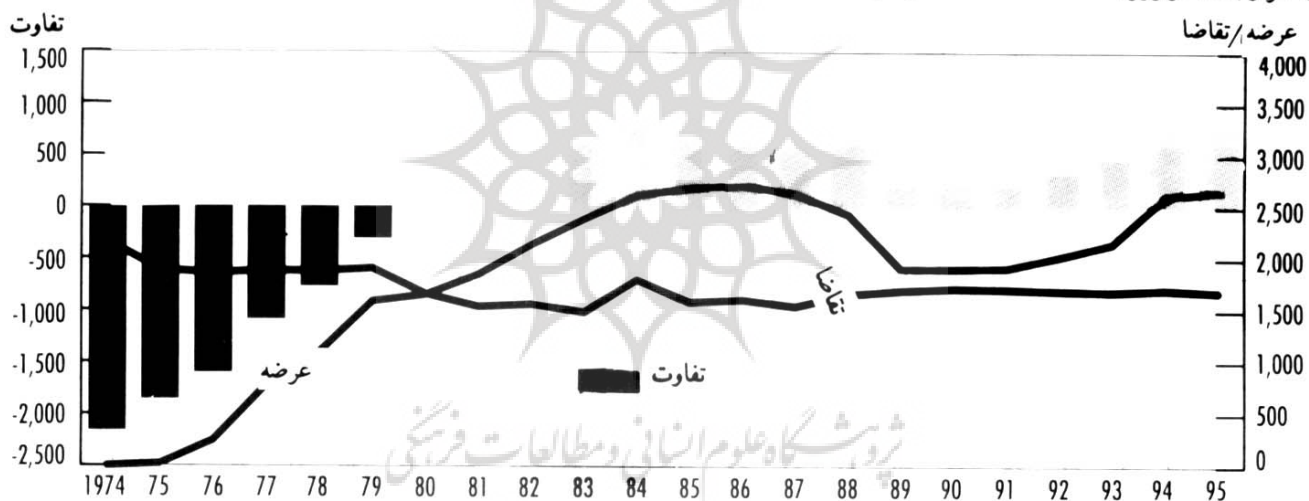


نمودار ۳: خالص عرضه جهانی نفت و سهم اوپک



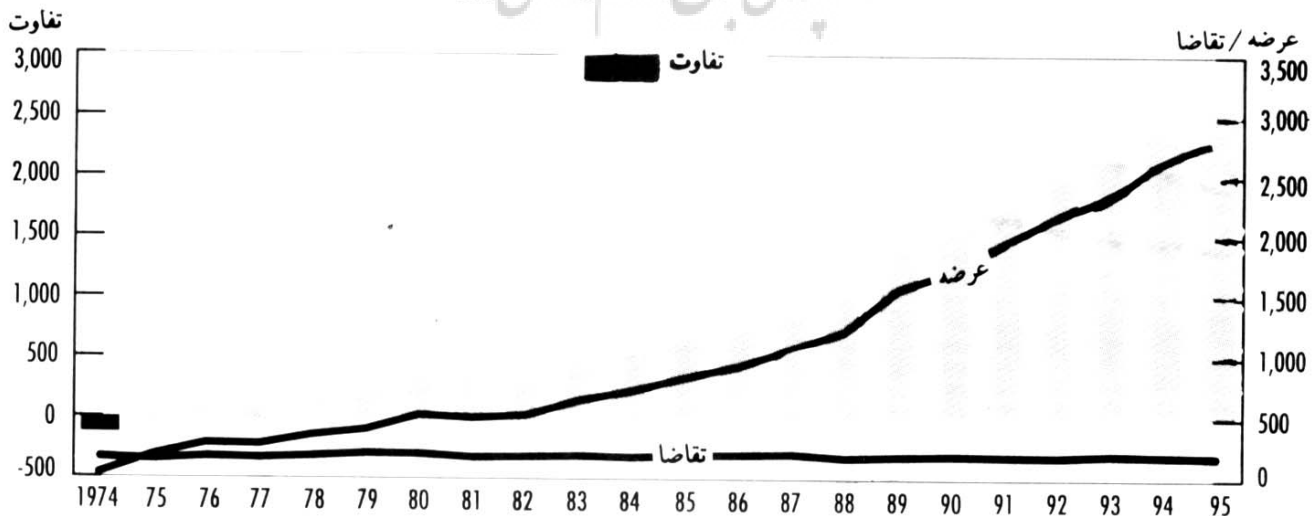
نمودار ۴: مقایسه عرضه و تقاضای نفت - بریتانیا

(به هزار بشکه در روز)



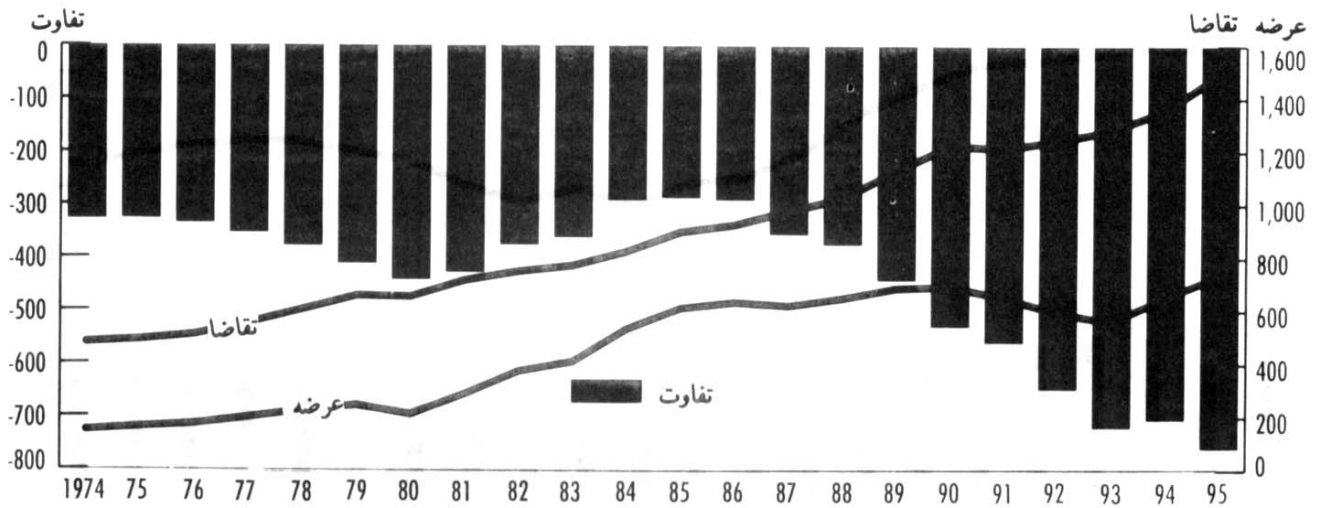
نمودار ۵: مقایسه عرضه و تقاضای نفت - نروژ

(به هزار بشکه در روز)



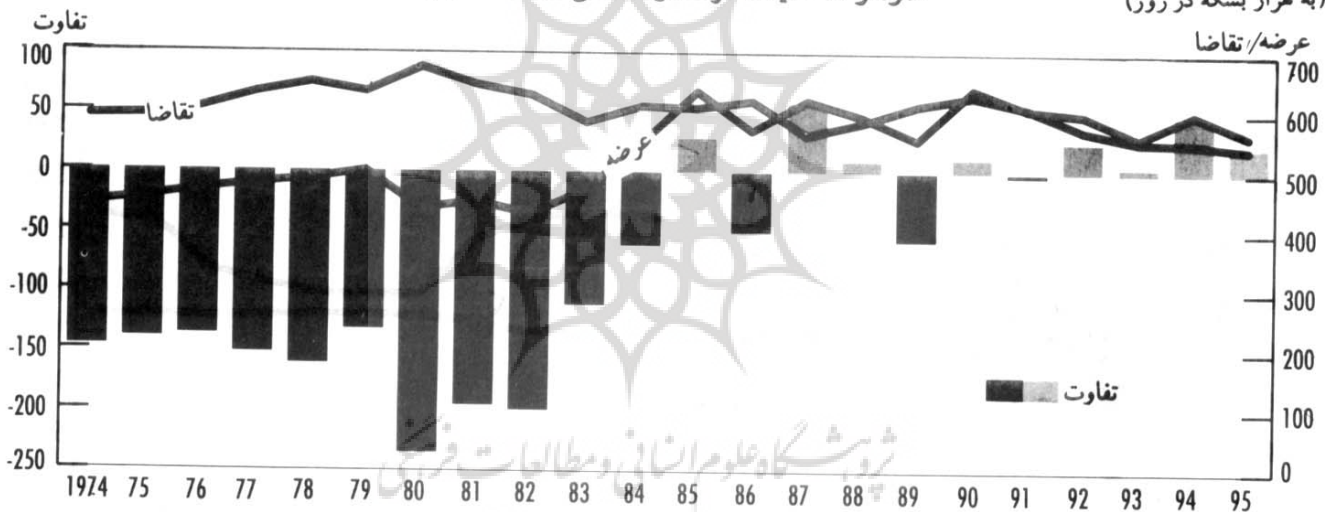
نمودار ۶: مقایسه عرضه و تقاضای نفت - هند

(به هزار بشکه در روز)



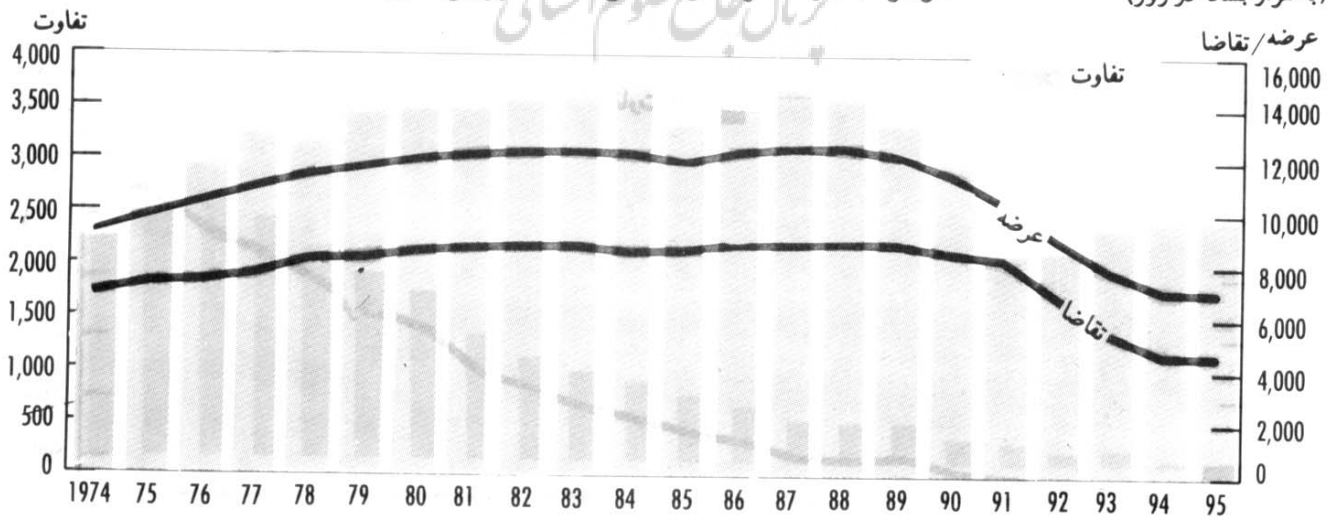
نمودار ۷: مقایسه عرضه و تقاضای نفت - استرالیا

(به هزار بشکه در روز)



نمودار ۸: مقایسه عرضه و تقاضای نفت - شوروی سابق

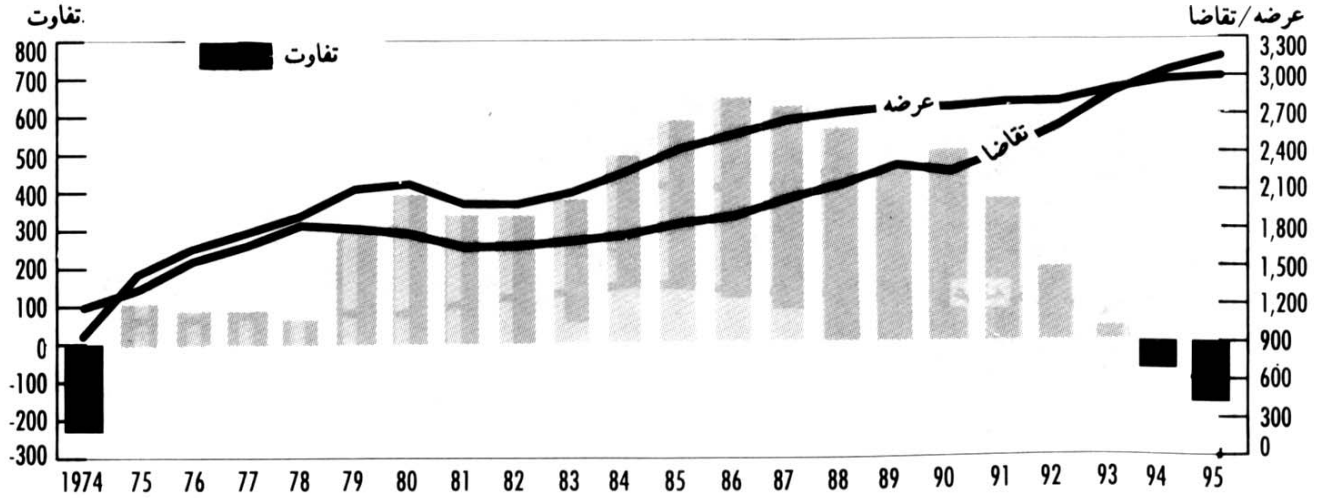
(به هزار بشکه در روز)





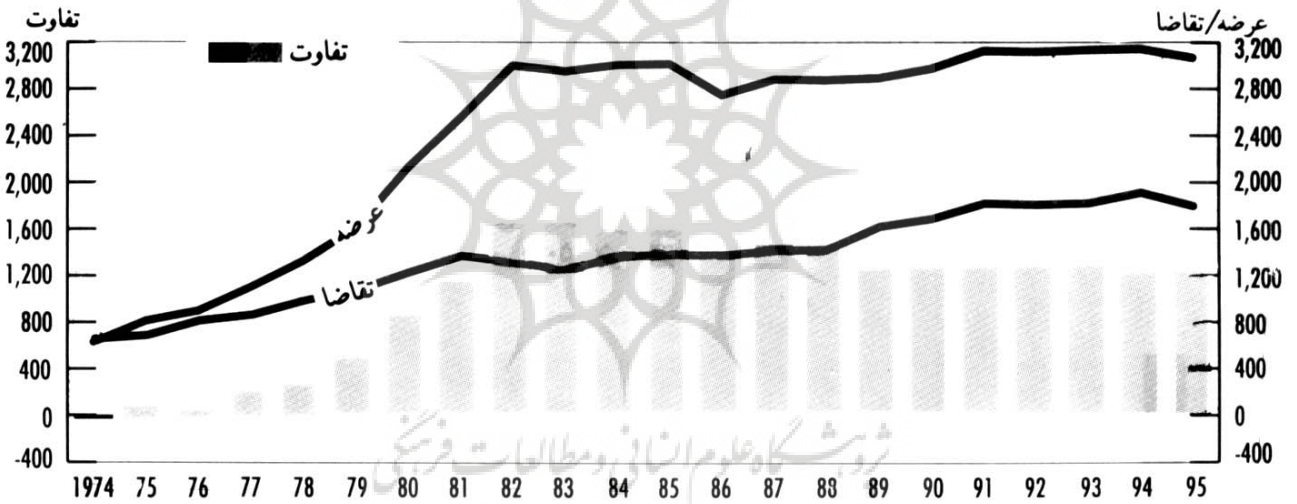
نمودار ۹: مقایسه عرضه و تقاضای نفت - جمهوری خلق چین

(به هزار بشکه در روز)



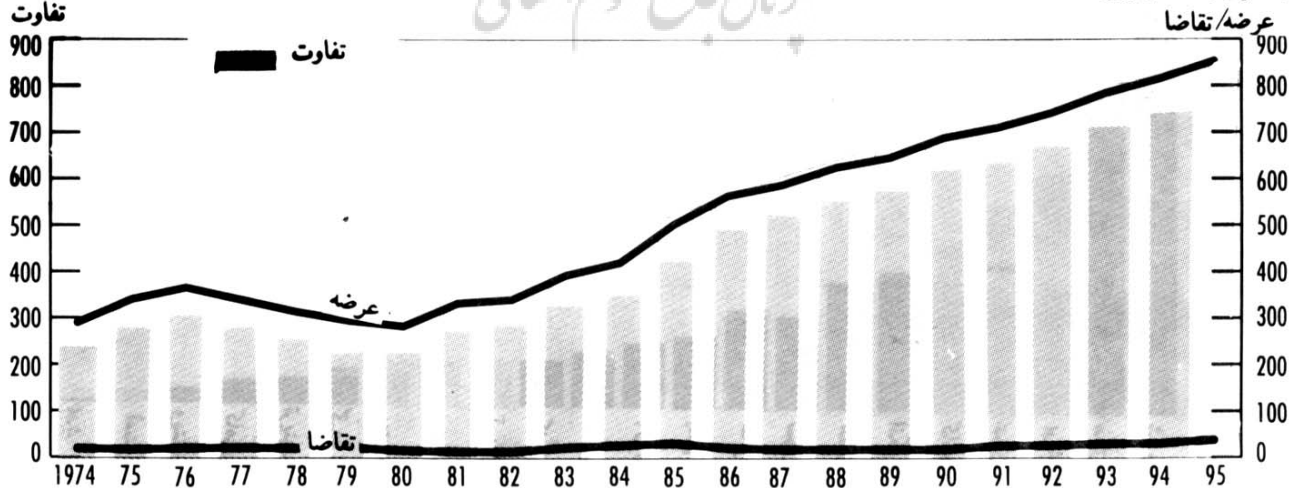
نمودار ۱۰: مقایسه عرضه و تقاضای نفت - مکزیک

(به هزار بشکه در روز)



نمودار ۱۱: مقایسه عرضه و تقاضای نفت - عمان

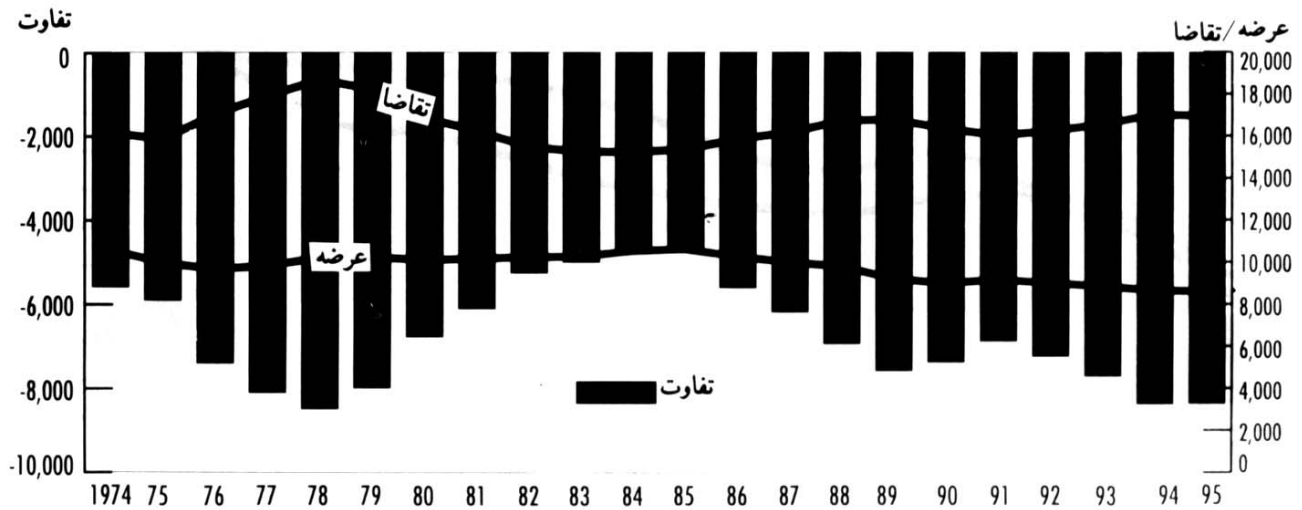
(به هزار بشکه در روز)





نمودار ۱۲: مقایسه عرضه و تقاضای نفت - ایالات متحده

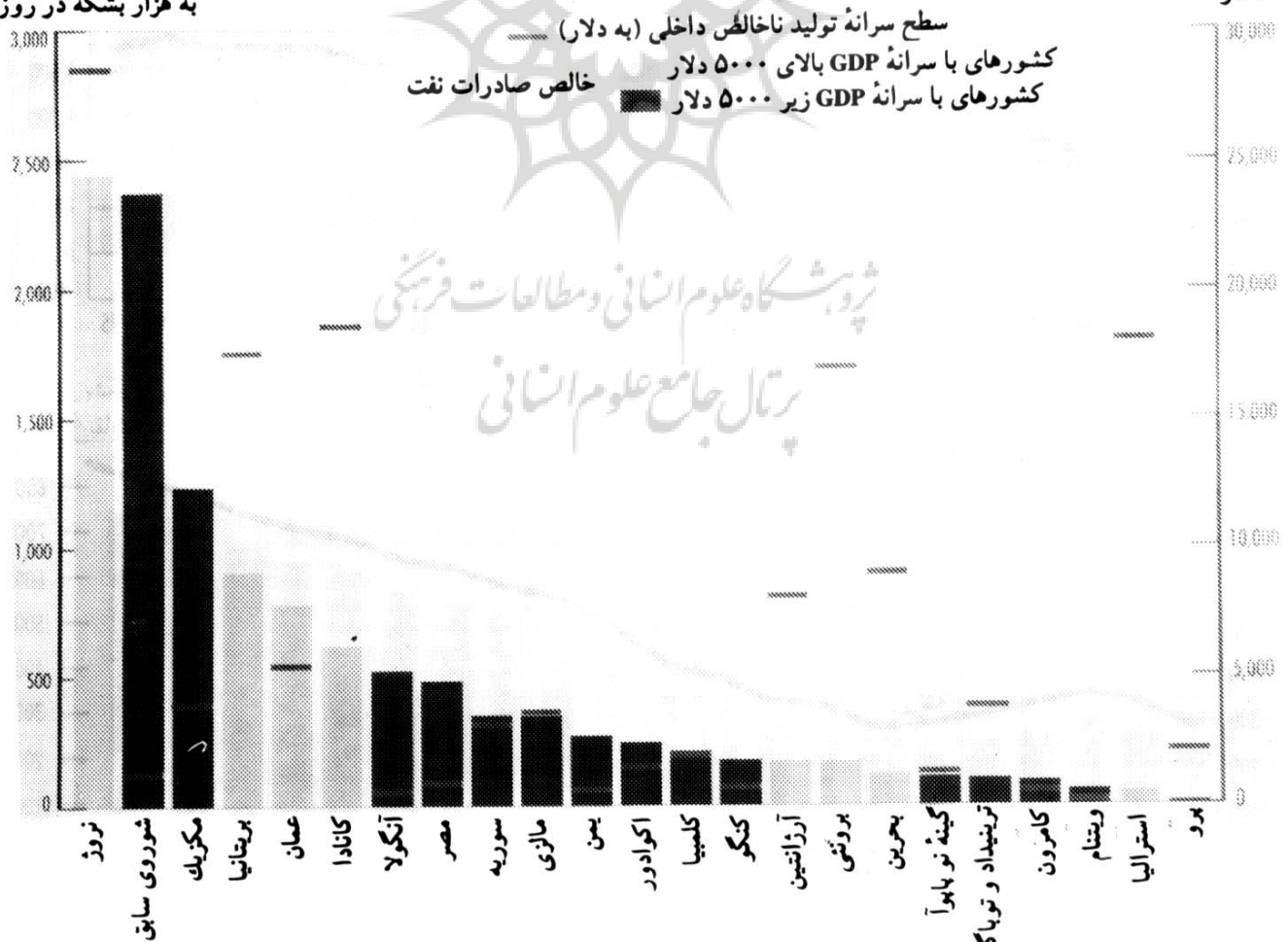
(به هزار بشکه در روز)



نمودار ۱۳: خالص صادرات نفت (عرضه منهای تقاضا) و سرانه تولید ناخالص داخلی کشورهای صادرکننده بیرون از اوپک، ۱۹۹۴

به هزار بشکه در روز

دلار



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

داشت. کشورهای دیگری چون آرژانتین، برونئی و استرالیا که از نظر سرانه تولید ناخالص داخلی توانایی لازم را دارند در حال حاضر صادرکنندگان خالص کوچکی هستند و لذا نمی‌توانند همکاری مؤثری داشته باشند.

### نتیجه

امید است تحلیل فوق هم به یافتن تعریف بهتری برای برخی اصطلاحات کمک کند و هم به عنوان راهنمایی برای بهبود روش انتخاب طرفهای گفتگو در مذاکرات مستمر بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نفت کارساز باشد.

اما باید به عناصر مهم دیگری که در روند دستیابی به هماهنگی کاملتری میان عرضه و تقاضا نقش دارند مانند میزان کنترل دولتها بر صنعت نفت کشورشان و نیز برخی ملاحظات منطقه‌ای، سیاسی و ژئوپلیتیک نیز عنایت داشت. در بسیاری از موارد عوامل محدودکننده‌ای وجود دارند که حتی بر درجه آزادی ما برای برپائی يك گفتگو تأثیر می‌گذارند.

### یادداشت‌ها

۱. به منظور مطالعه جامع‌تر ر.ش. به: فریدون برکشلی، «دورنمای ذخایر نفتی خلیج فارس و بازار جهانی نفت». مجموعه مقالات ششمین سمینار خلیج فارس. (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۵)، صص. ۳۶۱ تا ۳۷۷.
۲. ناصر فرشادگهر، «رازمان دگرگون شونده جهانی - بررسی موردی نفت و اوپک». مجموعه مقالات ششمین سمینار خلیج فارس. (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۵)، صص. ۴۱۰-۴۳۸.

تولید را به همراه اوپک به دوش گیرند تولید ناخالص داخلی (GDP) آنها را به نسبت جمعیت‌شان مورد بررسی دقیق‌تری قرار می‌دهیم.

به عبارت دیگر مقایسه سرانه تولید ناخالص داخلی این امکان را فراهم می‌آورد که تشخیص دهیم کدامیک از کشورها در عمل می‌توانند بدون اینکه متحمل فشار مالی سنگینی شوند به اوپک در زمینه مدیریت بازار کمک نمایند.

به این منظور در جدول ۲ تمام کشورهای بزرگ تولیدکننده نفت [هم اوپک و هم بیرون از اوپک] را براساس مناطق مختلف فهرست کرده و ارقام عرضه، تقاضا و تراز نفتی‌شان را برای سال ۱۹۹۵، همراه با میزان جمعیت، تولید ناخالص داخلی و سرانه تولید ناخالص داخلی آنها برای سال ۱۹۹۴ نشان داده ایم. با نگاه به این جدول مشخص می‌شود که سرانه تولید ناخالص داخلی بیشتر صادرکنندگان خالص غیر اوپک به مراتب کمتر از اصلی‌ترین کشورهای مصرف‌کننده عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) است و در مواردی حتی در زیر خط فقر عمومی مفروض نیز قرار می‌گیرد. در بسیاری از موارد ارقام حتی پایین‌تر از متوسط سرانه تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو اوپک است. بنابراین دعوت از بسیاری از این تولیدکنندگان برای کاستن از تولید خود یا فداکاری برای کمک به تثبیت قیمت‌های نفت یا مدیریت عرضه، برای اوپک منطقی نخواهد بود. بعنوان شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی يك خط به نمودار ۱۳ اضافه شده است. آن دسته کشورهایی را که سرانه تولید ناخالص داخلی آنها دستکم در سطح ۵۰۰۰ دلار است، در گروه کشورهایی قرار داده ایم که توانائی مالی شرکت در تلاشهای اوپک به منظور تثبیت بازار را دارند.

در میان صادرکنندگان بزرگ (در قسمت چپ نمودار) تنها می‌توان از کشورهای نروژ، انگلستان، عمان و کانادا چنین انتظاری

کشورهای عضو اوپک و بیرون از اوپک برای کاهش تولید به منظور تثبیت قیمت‌ها بوده ولی در واقع در سالهای اخیر پیوسته بر میزان صادراتش افزوده است.

سرانجام، ایالات متحده اغلب جزو کشورهای تولیدکننده نفت بیرون از اوپک قرار می‌گیرد، ولی همانطور که از نمودار ۱۲ پیداست آمریکا فقط نیمی از ۱۶ میلیون بشکه نفت مصرفی خود را تولید می‌کند، و ناگزیر است روزانه ۸ میلیون بشکه دیگر را وارد کند. بنابراین مذاکره با آمریکا درباره کاهش تولید چندان منطقی نخواهد بود.

در مجموع باید گفت، شماری از کشورها شامل هندوستان، چین و آمریکا که به عنوان واردکننده خالص نفت خام مشخص شده‌اند نمی‌توانند در گروه طرفهای بالقوه گفتگو کننده با اوپک قرار گیرند.

در نمودار ۱۳ تمام کشورهای بیرون از اوپک را که صادرکننده خالص نفت هستند نشان داده ایم. اما می‌توان مشاهده کرد که خالص صادرات نفت شماری از این کشورها چنان اندک است که نمی‌توانند با محدود ساختن تولید نفت خود کمک مؤثری به مدیریت بازار نمایند. کشورهای کامرون، ویتنام، استرالیا و پرو، کمتر از ۱۰۰ هزار بشکه در روز صادرات خالص دارند.

در نتیجه این پرسش پیش می‌آید که کدامیک از کشورهای بیرون از اوپک که عملاً صادرکننده خالص میزان چشمگیری نفت هستند و بنابراین در موقعیت مناسبی برای کاهش تولید خود و همکاری در زمینه مدیریت بازار نفت می‌باشند در عمل تمایل به انجام چنین کاری دارند؟

کاهش صادرات نفت بنا به تعریف و تجربه موجب می‌شود که دستکم در دوره‌ای کوتاه مدت درآمد کشورهایی که این راه را انتخاب می‌کنند کاهش یابد. ممکن است این امر برای پاره‌ای از کشورها مشکل مالی بزرگی ایجاد کند. در اینجا برای تشخیص کشورهایی که احتمالاً می‌توانند سهمی از بار کاهش